

انسان رو در روی جهان

جستارهایی درباره‌ی فردیت خلاق نویسنده و شاعر
در گفت‌وگو با اهل قلم و اندیشه



۶	پیشگفتار
۲۳	فصل اول: روایت از روایت ناله ناله
۳۵	فصل دوم: روایت از روایت راوی پنهان
۴۲	فصل سوم: روایت از روایت نویسنده و خواننده
۴۶	فصل چهارم: روایت از روایت کیوان باژن
۱۰۹	فصل پنجم: روایت از روایت معمول و غیرمعمول
۱۳۳	فصل ششم: روایت از روایت نویسنده و خواننده
۱۳۶	فصل هفتم: روایت از روایت نویسنده و خواننده
۱۴۷	فصل هشتم: روایت از روایت نویسنده و خواننده
۱۴۳	فصل نهم: روایت از روایت نویسنده و خواننده
۱۴۸	فصل دهم: روایت از روایت نویسنده و خواننده
۱۴۹	فصل یازدهم: روایت از روایت نویسنده و خواننده
۱۵۰	فصل بیستم: روایت از روایت نویسنده و خواننده

..... (در بیان رسیده) انسانیت در اندک زمانه روزی در آن است	۱۶۲
..... (در بیان راه) شریعتی در راه خود رسیده	۱۶۲
..... (در بیان راه) راهی در راه خود رسیده	۱۶۲
..... (در بیان راه) راهی در راه خود رسیده	۱۶۲
..... (در بیان راه) راهی در راه خود رسیده	۱۶۲
..... (در بیان راه) راهی در راه خود رسیده	۱۶۲
..... (در بیان راه) راهی در راه خود رسیده	۱۶۲
..... (در بیان راه) راهی در راه خود رسیده	۱۶۲

فهرست

..... پیشگفتار	۹
..... فردیت	۲۳

گفت و گو با:

..... تنها، داشتن ذوق کافی نیست! (منوچهر آتشی)	۳۵
..... هنوز به عصر مدرنیته‌ی خود نرسیده‌ایم! (جواد اسحاقیان)	۴۲
..... تکوین فردیت خلاق و خاستگاه اجتماعی (حسن اصغری)	۶۲
..... تاوانِ خلافِ آب شنا کردن را باید داد! (علی باباچاهی)	۷۶
..... من با عاطفه‌ی همگانی متولد شده‌ام! (سیمین بهبهانی)	۱۰۱
..... فردیت، محصول مدرنیسم (فتح‌الله بی‌نیاز)	۱۱۳
..... خلوت ما به هم ریخته است! (رضا جولایی)	۱۳۱
..... فردیت، خصوصیتِ جوامع انسانی (ابوتراب خسروی)	۱۳۶
..... خلاقیت و دغدغه‌های اجتماعی (علی اشرف درویشیان)	۱۴۷
..... من در هنر و ادبیات متولد شده‌ام! (محمود دولت‌آبادی)	۱۶۳
..... مواجهه با جهانی پیچیده و غیرقابل فهم (حسین سنابور)	۱۸۳
..... فهم زبان فردیت (سید علی صالحی)	۱۹۴
..... خودشیفتگی به جای فردیت (محمدعلی علومی)	۲۰۲

پیشگفتار

جامعه‌شناسی ادبیات و دغدغهی «من» نویسنده

۱

اگر بپذیریم تمامی فعالیت‌ها و کیفیت‌های روانی انسان، ناشی از زندگی اجتماعی او است و در گروهی محیط‌های جمعی است که چنین کیفیاتی شکل و معنای خاصی به خود می‌گیرند - چرا که اساساً در جامعه‌شناسی، انسان به‌عنوان پدیده‌ای جمعی تعریف می‌شود - هم‌چنین اگر بپذیریم هنرمند نیز به‌عنوان پدیده‌ای انسانی، زاییده‌ی شرایط اقتصادی و اجتماعی خویش است آن‌گاه در تحلیلی واقع‌گرایانه و عینی، ضرورت درک رابطه‌ی آفرینش ادبی با زندگی اجتماعی، رابطه‌ای غیرقابل تردید خواهد بود که در تعریف این ارتباط، هر نوع اثر ادبی و هنری را همان‌قدر پدیده‌ای اجتماعی خواهیم دانست که دیگر پدیده‌های زندگی را.

با نگاهی به تاریخ کشورمان، به‌ویژه بعد از انقلاب مشروطیت که به نوعی ورود جامعه به دنیای مدرن را نوید می‌دهد، به‌راحتی چنین رابطه‌ی عینی‌ای را خواهیم دید.

درواقع «ورود مدرنیته در ایران، علی‌رغم کاستی‌ها و نقایصی که به همراه داشت، ساختار اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران را به کلی متحول نمود. ایران از دوران انقلاب مشروطه به این‌سو، در هیچ جنبه‌ای از حیات خود، با عصر صفوی و یا پیش از آن، قابل مقایسه نیست. در این صد ساله، تقریباً همه چیز در نزد ما تغییر کرده است. از جمله برخورد ما با مفهوم آزادی! شاید باید گفت برخورد ما با مقوله‌ی آزادی، پیچیده، گنگ و سرگیجه‌آور شده است: زیرا ما را در مقابل درک سنتی مان از «رهایی» قرار می‌دهد...

در ایران شکل‌گیری ارتش مدرن، گسترش آغازین صنعت، تشکیل نخستین دانشگاه، پیدایش شناسنامه در عصر رضاشاه، به شکل‌دهی شهرنشینی با اسم و رسم و نام و نشان‌دار، کمک فراوان نمود که این همه، مراحل ابتدایی «جامعه‌ی مدنی» و «فردیتی» را - که البته هنوز نه پدیده‌ای خودگرا و خودجوش، که حاصل فرم‌های دولتی بوده است - ایجاد نمود.^۱ از این‌رو است که می‌گوییم فعالیت‌های فردی انسان، ناشی از زندگی اجتماعی او است و نقش این شرایط، در شکل‌گیری فرآیند فردیت او غیرقابل انکار. اما «فردیت» به‌طور کلی چیست؟ و این فرآیند به چه شکلی، صورت می‌گیرد؟ در این‌جا اگر بخواهیم از تعبیر «زیمل» کمک بگیریم می‌توانیم بگوییم که «فردیت» individualation به معنای آزادی و مسئولیت برای خود شخص است که ناشی از محیط اجتماعی گسترده و بی‌ثبات می‌باشد.^۲ «یونگ» هم معتقد بود که هدف فرآیند رشد فردیت این است که خویشتن را حس کنیم: همان‌گونه که هست؛ غیرمنطقی و غیرقابل تعریف. حس کنیم که «من» نه در مقابل «خویشتن» قرار دارد و نه ناظر «خویشتن» است، بلکه تنها به آن متصل است و همان‌گونه که زمین به دور خورشید می‌گردد، «من» نیز به دور «خویشتن» می‌گردد.

اما ورای این تعریف‌ها، آن‌چه اهمیت دارد نوع رابطه‌ی فردیت با ضرورت‌های اجتماعی است که در جامعه‌ی ما کم‌تر به آن پرداخته شده

است، همان‌طور که در مورد فردیت خلاق هنرمند و نویسنده به‌طور اخص، و به‌مثابه مبنایی برای شکل‌گیری ادبیات، هنر و فرهنگ هر جامعه نیز توجه زیادی نشده است. بسیاری از فیلسوفان و جامعه‌شناسان از جمله: «گلدمن»، «لوکاچ» و... به آن پرداخته‌اند، و آن را در عرصه‌ی یک بینش علمی، به خاستگاه پدیده‌های فرهنگی و ادبی جوامع رهنمون کرده‌اند.

۲

واقعیت این است که اگرچه به‌طور کلی «فردیت خلاق» در آفرینش ادبی نقش به‌سزایی دارد اما به قول «گلدمن» چنین فردیتی به‌تنهایی نمی‌تواند مورد نظر باشد و «این نفس منفرد نیست که با ماجراجویی‌ها یا نبوغ خویش، یک اثر هنری را که با دیگر فرآورده‌های فرهنگی زمان او و با جهان‌بینی افراد دیگر هم گروه و هم‌زمان، این همه هم‌گونی دارد اختراع می‌کند...»^۳ و در یک کلام: «پدیدآورندگان راستین اثرهای فرهنگی، گروه‌های اجتماعی هستند و نه نفس‌های منفرد.»^۴

بنابراین هر اثر ادبی، بیان نوعی آگاهی جمعی است و از آن‌جا که چنین آگاهی‌ای از معنایی تجربیدی و انتزاعی برخوردار نیست و خود از فعالیت‌های روانی و شرایط ذهن (شعور) تک تک افراد جامعه ناشی می‌شود به‌راحتی می‌توانیم به مفهوم رابطه‌ی دیالکتیکی بین فردیت خلاقانه یعنی آگاهی هنرمند و نویسنده با زندگی اجتماعی (حالت‌های روانی جامعه یا روانشناسی اجتماعی یا خودانگیختگی جمعی) پی ببریم.

کشف چنین ارتباطی در نقد ادبی و هنری بسیار حائز اهمیت است. البته باید توجه داشت که در ارتباط بین آگاهی هنرمند و نویسنده با خودانگیختگی جمعی و در یک حالت عمومی، همواره مفهوم آگاهی از خودانگیختگی به‌وجود می‌آید، شکل می‌گیرد و از آن می‌گذرد و حتا به مقابله با آن برمی‌خیزد. کیفیت شکل‌گیری آن و مدت زمان برای رسیدن به چنین آگاهی‌ای نیز بستگی